

خواندمیر

• عباس جداری کریمیان
دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران

۱) زندگی نامه مؤلف

غیاث‌الدین بن همادالدین محمد معروف و مشهور به خواندمیر، از فعال‌ترین و معروف‌ترین نویسندگان دوران تیموری - صفوی است. وی در خانواده‌ای که به تاریخ‌نویسی آشنا بود، تولد و رشد یافت. در اکثر منابع تاریخی از میرخواند محمد بن امیر برهان‌الدین خاوندشاه مؤلف نامی روضه‌الصفاء که از سادات معروف ماوراءالنهر بوده است، به‌عنوان جد مادری خواندمیر یاد کرده‌اند. از زمان تولد خواندمیر اطلاع دقیقی در دست نیست. از روی تاریخی که وی در مقدمه‌ی یکی از آثار خود آورده است، چنین استنباط می‌شود که تولد وی می‌بایست در یکی از سال‌های ۸۸۰ یا ۸۸۱ هـ ق روی داده باشد. در مورد محل تولد وی نیز اختلاف است. برخی به‌دلیل این‌که جد مادری‌اش در هرات می‌زیسته، زادگاه وی را هرات دانستند اما شواهد دیگری وجود دارد که خلاف این مطلب را می‌رساند. از جمله این‌که پدر وی همادالدین، در اکثر ایام سلطنت میرزا سلطان محمود، فرزند ابوسعید تیموری وزیر او بوده است. میرزا سلطان محمود از سال ۸۷۳ هـ ق از هرات رانده شده بود و تا زمان مرگش - سال ۹۰۰ هـ ق - در سمرقند حکم می‌راند.

با این وجود پدر خواندمیر مدت ۲۷ سال را در سمرقند سپری نموده است و چنین می‌نماید که زادگاه خواندمیر نیز در همین شهر بوده است. نکته عجیب در این است که امین احمد رازی در کتاب هفت اقلیم خود، وی را در زمره‌ی علما و شعرای بخارا دانسته است. این نکته را نیز می‌دانیم که دایی خواندمیر، نظام‌الدین سلطان احمد از مردان معروف و نامی قرن نهم هجری بوده است.

۱-۱) فعالیت‌های سیاسی خواندمیر

از منابع چنین برمی‌آید که خواندمیر در جوانی به دربار سلطان حسین بایقرا، پادشاه نامی و دانش‌پرور تیموری راه یافته و مورد توجه امیر علیشیر نوایی وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا قرار گرفته است. امیر علیشیر نوایی کتب تاریخی کتابخانه‌اش را در اختیار وی قرار داده بود تا بتواند به تألیف کتاب تاریخ بپردازد.

خواندمیر در سال ۹۰۱ هـ ق به خواست علیشیر نوایی مآثر الملوک را به

خواجه حبیب‌الله ساوجی در سال بعد به وزارت خراسان برگزیده و حامی خواندمیر می‌شود، تا جایی که خواندمیر نام وی را در عنوان کتاب حبیب‌السیب خود جاودانه می‌کند. در این دوران خواندمیر مورد توجه و عنایت و اکرام حبیب‌الله ساوجی قرار داشت. این دوران، دوران طلایی زندگی خواندمیر است. اما دیری نگذشت که حبیب‌الله ساوجی به دست شاملویان به قتل رسید و خواندمیر که حامی خود را از دست داده بود، به قندهار رفت و از آنجا عازم هندوستان گردید. تاریخ عزیمت خواندمیر به هندوستان ۱۰ جمادی‌الآخر ۹۳۴ هـ ق است و در محرم ۹۳۵ هـ ق به دربار ظهردین بابر راه یافت. وی در زمهری نزدیکان بابر درآمد تا آنجا که در لشکرکشی بابر به سوی بنگال همراه وی بود.

پس از مرگ بابر در ۹۳۷ هـ ق، خواندمیر به دربار پسر وی همایون درآمد و کتابی تحت عنوان قانون همایون یا همایون‌نامه در منقبت این پادشاه نوشت. رایج است که مرگ خواندمیر در سال ۹۴۱ هـ ق و در ضمن جنگ همایون در گجرات بوده است. ولی مؤلف تاریخ فرشته، مرگ خواندمیر را پس از بازگشت از جنگ و به سبب بیماری اسهال دانسته است.^۸ اما شواهدی در دست است که در سال ۹۴۲ هـ ق خواندمیر زنده بوده و در این سال ماده تاریخی را در مرگ شهاب‌الدین معنائی، شاعر مشهور معماساز آن زمان سروده است.^۹ مؤلف شاهد صادق نیز سال مرگ خواندمیر را در سال ۹۴۲ هـ ق دانسته است. وی را بنا بر وصیتی که خود نموده بود در دهلی و در کنار مزار نظام‌الدین اولیا و امیر خسرو دهلوی به خاک سپردند.

از خواندمیر، دو پسر برجای ماند. یکی از پسران وی پس از مرگ پدر به ایران بازگشت و در فاصله سال‌های ۹۵۰ تا ۹۵۷ هـ ق کتابی در تاریخ شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب اول صفوی نوشت و آن را به محمدخان شرف‌الدین اوغلی تکلو تقدیم کرد.

۲) آثار و تألیفات ادبی و تاریخی خواندمیر

خواندمیر در میان مورخان این امتیاز را دارد که بیش از همه آنان به زبان فارسی تألیفات دارد. وی در سه زمینه شعر، انشاء و تاریخ استاد بود. هرچند که تاریخ، اصلی‌ترین زمینه تألیفات وی می‌باشد. در شعر، وی مثنوی‌ای برای همایون سروده است. بسیاری از اشعار خواندمیر در بین مطالب تاریخی و منشآت او به مقتضای کلام آورده شده است. هرچند شعرهای وی اشعاری متوسط است.

از خواندمیر نامه‌های دیوانی باقی مانده و حتی وی کتابی را به نام «نامه نامی» در زمینه‌ی روش‌ها و آداب انشاء و نامه‌نگاری عصر خود تألیف نمود. اما خواندمیر بیشتر به جهت تاریخ‌نویسی شهرت دارد. خواندمیر آخرین حلقه از زنجیره‌ی مکتب تاریخ‌نویسی هرات است. مکتب تاریخ‌نویسی هرات، برگرفته از مکتب ادبی هرات است. از این مکتب به دو مورخ بزرگ می‌توان اشاره کرد. یکی نیای مادری وی میرخواند صاحب روضه الصفا و دیگری شخص خواندمیر. تألیفات تاریخی خواندمیر شش اثر به زبان فارسی است که عبارتند از:

۱- مائر الملوک: اثری که در سال ۹۰۱ هـ ق به رشته نگارش درآمده است.

رشته‌ی تحریر درآورد. پس از مرگ علیشیر نوایی در سال ۹۰۶ هـ ق، خواندمیر به نزد شاهزاده بدیع‌الزمان میرزا رفت. خواندمیر خود چنین می‌آورد که در سال ۹۰۷ هـ ق همراه با بدیع‌الزمان در منزل پیل چراغ در بلخ بوده و بدیع‌الزمان میرزا چگونگی شکست خوردنش را از پدر برای وی شرح داده است.^۳ از این زمان تا سال ۹۱۱ هـ ق وی به هرات بازنگشت و همراه با شاهزاده بدیع‌الزمان میرزا در ماوراءالنهر روزگار می‌گذرانده است.

سال ۹۰۹ هـ ق، سالی است که خواندمیر برای انجام نخستین مأموریت سیاسی زندگی خود انتخاب می‌شود. وی برای یاری خواستن از امیر خسروشاه در برابر حمله ازبکان به قندوز فرستاده شد ولی این اولین مأموریت سیاسی خواندمیر نتیجه‌ای در پی نداشت.^۴ به علت اینکه خواندمیر در رکاب بدیع‌الزمان میرزا بود، نتوانست در سال ۹۱۱ هـ ق که سال مرگ سلطان حسین بایقراست، به دربار هرات آید.

در سال ۹۱۲ هـ ق محمدخان شیبانی ازبک در ماوراءالنهر پیشروی کرد، بدیع‌الزمان و مظفر حسین میرزا به قصد جنگ با وی برمی‌آیند. در بهار سال ۹۱۳ هـ ق خواندمیر مجدداً انتخاب می‌شود که به قندهار برود و از حاکم قندهار، امیر شجاع‌بیک ارغون یاری جوید، ولی به دلیل مرگ دختر بدیع‌الزمان میرزا، جوک بیگم، مسافرت خواندمیر منتفی شد.^۵

بدیع‌الزمان میرزا در آغازین روزهای سال ۹۱۳ هـ ق از ازبکان شکست خورد و به هرات و سپس به جرجان گریخت. بدین ترتیب هرات از سال ۹۱۳ تا ۹۱۶ هـ ق که شاه اسماعیل اول صفوی، ازبکان را شکست داد و هرات را آزاد ساخت، در دست ازبکان ماند.

چندان روشن نیست که بین سال‌های ۹۱۶ تا ۹۲۰ هـ ق که درگیری و جنگ میان شاهزادگان تیموری و صفویان در جریان بوده، خواندمیر چه نقش و موضعی داشته است. با توجه به این که هیچ‌یک از منابع از پیوستن خواندمیر به دربار صفویان خبر نداده‌اند و با توجه به گفته خواندمیر در مکارم‌الاخلاق، حدس می‌زنیم که از سال ۹۱۶ هـ ق و با ورود صفویان به منطقه‌ی هرات، وی به همراه خانواده‌اش در غرجهستان و در روستای پشت انزوا گزیده و به تألیف کتاب‌های خود پرداخته است. با توجه به شکست شاهزاده محمدزمان میرزا، فرزند بدیع‌الزمان میرزا از قزلباشان صفوی در سال ۹۲۰ هـ ق و گریختن وی به غرجهستان، خواندمیر بار دیگر به امور سیاسی پرداخت و به فرزند مخدوم قدیمی خویش پیوست.^۶

محمدزمان میرزا به جهت احیای حکومت ازدست‌رفته خود به بلخ حمله نمود و آنجا را تصرف کرد. وی نامه‌ای به ظهیرالدین محمد بابر نوشت و از او خواست تا برای روشن نگاه داشتن چراغ دولت تیموری وی را یاری رساند. این نامه به دست خواندمیر نوشته شد.^۷ اما خواندمیر از خدمت محمدزمان میرزا استعفاء داد و دوباره به غرجهستان بازگشت. از این دوران از زندگی خواندمیر اطلاعی در دست نیست.

در سال ۹۲۷ هـ ق خواندمیر را در هرات مشاهده می‌کنیم. در این زمان، امیر غیاث‌الدین محمد بن امیر یوسف از جانب صفویان منصب قضا و صدارت خراسان را داشت، خواندمیر را تشویق به نوشتن کتاب حبیب‌السیب می‌کند. امیر غیاث‌الدین به دلیل حمایت از ظهیرالدین بابر دستگیر و زندانی می‌شود.

خواندمیر در جوانی به دربار سلطان حسین بایقرا، پادشاه تیموری راه یافت و مورد توجه امیر علیشیر نوایی وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا قرار گرفت. وی کتب تاریخی کتابخانه‌اش را در اختیار وی قرار داد تا به تألیف کتاب تاریخ بپردازد

هق که همایون در قلعه گولیار بود تألیف کرده است.

۳) نثر فارسی در عهد تیموری

در عهد تیموری نثر پارسی به نسبت دوره‌ی مغولان از وضعیت مناسب‌تری برخوردار بود. نثر این دوره از مبالغه‌های صنعتی و فنی قرن ششم و هفتم تقریباً آزاد شده بود و آثاری که مغلک و متکلف باشد در این دوره کمتر دیده می‌شود و بالعکس آثار این عهد به سبک ساده به نگارش درآمده است.

توجه به لهجه‌ی کهن پارسی در آثار منثور دوره تیموری کمتر مورد توجه بوده و از اصطلاحات و لغات و ترکیبات عمومی آن زمان بیشتر استفاده می‌شده، اما از این نکته نیز نباید گذشت که در این زمان استعمال لغات ترکی در تألیفات مشهود است.

شایان ذکر است که هرچند آثار مصنوع در این دوره زیاد نیست؛ اما در مقدمه‌ی کتاب‌ها و سرفصل‌ها و هرجایی که می‌خواستند کتاب را به یکی از امیران و رجال بزرگ تقدیم کنند، شاهد تکلفات بسیار و القاب و عناوین می‌رفته است در برخی از کتب این دوره، سجع‌های وارد و تکلفات ناوارد دیده می‌شود و در پاره‌ای دیگر، آثار سادگی و روانی دل‌انگیزی مشهود است. نهضت پارسی‌نویسی که از دوران مغولان آغاز شده بود، در این دوره نیز با قوت ادامه می‌یابد. علت این امر آن است که هرچه از سقوط بغداد بیشتر می‌گذشت، نفوذ زبان و ادبیات عربی در ایران کمتر می‌شد و دیگر نیازی به تألیف کتب علمی و بخصوص تاریخی به زبان عربی نبود. مطالبی که در نثر فارسی دوره‌ی تیموری به کار رفته، دور از تنوع نیست. بدین معنا که در آن روزگار موضوعات مختلف همچون مسائل علمی، تاریخ و قصص و روایات و تراجم احوال و تفسیر قرآن و موضوعات دیگر دینی و تصوف و اخلاق و آثار دیگر دیده می‌شود.

اما موضوعی که می‌توان در اواخر عهد تیموری در نظر داشت، نگارش کتاب‌هایی به زبان ترکی است. در این دوران نهضت تألیف و تدوین کتب به زبان ترکی به‌خصوص در حوزه‌ی ادبی هرات و به تشویق سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی ایجاد شده بود. چنان که در همین دوران می‌توان از

این کتاب شامل حکایت‌هایی درباره‌ی مقررات و امور خیریه و سخنان حکیمانه‌ی پیامبران، پادشاهان و دانشمندان روزگار گذشته می‌باشد. خواندمیر چنان که در مقدمه این کتاب آورده است، این اثر را به تشویق امیر علیشیر نوایی به نگارش درآورده و به وی تقدیم نموده است.^۱

۲- خلاصه الاخبار فی احوال الاخیار: کتاب مختصری در تاریخ عمومی است که خواندمیر آن را پس از مرگ میرخواند و به خواست امیر علیشیر نوایی تألیف کرد. این کتاب شامل یک مقدمه در شرح خلقت، ده مقاله و یک خاتمه است. ایوت احتمال می‌دهد که این اثر خلاصه‌ای از روضه الصفا باشد.^۲ اطلاعات زیاد و ارزشمندی از هرات، روحانیون، دانشمندان و هنرمندان دوران سلطان حسین بایقرا در این اثر یافت می‌شود. سال ۹۰۶ هـ ق تألیف این اثر به پایان رسیده است.

۳- دستور الوزراء: کتابی که به شرح حال ۲۷۲ وزیر دوران اسلامی و همچنین شرح حال اصف بن برخیا و بزرگمهر حکیم پرداخته است. این کتاب در سال ۹۰۶ هـ ق و به نام یکی از وزیران سلطان حسین بایقرا، به نام کمال‌الدین محمود تألیف گردیده است.

۴- حبیب‌السیر فی اخبار البشر: معروف‌ترین و مفصل‌ترین تألیف خواندمیر که تألیف آن در سال ۹۲۷ آغاز شده و در سال ۹۳۰ هـ ق به پایان رسیده است ولی زمانی که خواندمیر در هندوستان بوده مطالبی را بر آن افزوده است. این اثر را خواندمیر برای خواجه حبیب‌الله ساوجی وزیر دورمش خان حاکم هرات تألیف نموده و به همان جهت حبیب‌السیر نام گرفته است. این اثر، تاریخ عمومی و شامل یک دیباچه و سه مجلد است. این اثر با مختصری از تاریخ قبل از اسلام آغاز می‌شود و در ادامه به تاریخ اسلام تا پایان خلافت عباسی، دوران حکومت مغولان، حکمرانی تیموریان، زمینه‌های پیدایش صفوی و دوران سلطنت شاه اسماعیل اول، می‌پردازد.

۵- آثار الملوک و الانبیا: به ظاهر این کتاب خلاصه‌ای از کتاب حبیب‌السیر است.

۶- قانون همایون یا همایون‌نامه: اثری دیگری از خواندمیر که در دربار همایون، از پادشاهان دودمان تیموری هند به رشته نگارش درآمده است. کتاب به بیان قواعد و قوانینی که همایون در عصر حکمرانی خود وضع کرده و همچنین آثار عمرانی وی می‌پردازد. خواندمیر این کتاب را در سال ۹۳۷

از خواندمیر نامه‌های دیوانی باقی مانده و حتی وی کتابی را به نام «نامه نامی» در زمینه‌ی روش‌ها و آداب انشاء و نامه‌نگاری عصر خود تألیف نمود. اما بیشتر به جهت تاریخ‌نویسی شهرت دارد

خواندمیر

ساخته است. آن چیز که در سنت تاریخ‌نگاری آن دوره وجود داشت. آثار تاریخی خواندمیر آکنده از عبارت‌پردازی‌ها و تکلفات ادبی و آرایه‌های لفظی و شعری است. بینش تاریخی خواندمیر بسیار جهت‌دار و قابل انتقاد است. وی از بسیاری از رویدادها و جریان‌های سیاسی عصر خویش سخنی به میان نیاورده است. در آثارش به جانبداری از امیر علیشیر نوایی می‌پردازد و هر که با او سازگاری نداشته، از صفحات کتب تاریخی خود حذف نموده است.

او از ذکر بسیاری از جزئیات رویدادهای سیاسی که می‌توانست به روشن شدن حقیقت یاری رساند، خودداری می‌ورزد و حتی در برخی از موارد، مسائل را برعکس جلوه می‌دهد. خواندمیر در نوشتن تاریخ عصر تیموری در سطح اخبار و روایات باقی می‌ماند و تلاشی برای راه بردن به عمق رویدادها از خود نشان نمی‌دهد، در واقع قلم او همیشه در خدمت مخدومانش بوده است. درنهایت و با تمامی موارد یاد شده در فوق از این نکته نمی‌توان درگذشت که بی‌گمان خواندمیر یکی از بزرگ‌ترین مورخین عصر تیموری است.

۵) بررسی کتاب دستور الوزراء

دستور الوزراء کتابی در ذکر احوال وزرای اسلام تا عهد مؤلف است ولی چنان که آمد، خواندمیر مطالبی بر آن اضافه می‌کند. اهمیت این کتاب در اشمال آن بر اطلاعات مشروعی در مورد وزیران عهد تیموری تا زمان انقراض است؛ البته باید خاطر نشان کرد که در این کتاب، احوال وزرای نامی گذشته چون اصف برخیا وزیر سلیمان و بزرگمهر وزیر انوشیروان نیز آمده و نیز شرح حال وزرای اسلام تا زمان مؤلف آورده شده است ولی چنان که یاد شد اهمیت کتاب در ذکر احوال وزرای عهد تیموری است، که به زمان مؤلف نزدیک بوده و کتاب سرانجام با شرح حال خواجه مجدالدین خواجه غیاث‌الدین پیر احمد خوافی وزیر سلطان حسین بایقرا پایان می‌پذیرد.

خواندمیر در تدوین این کتاب از کتب مقدم بر زمان خود در شرح حال وزیران و از کتاب‌های تاریخ استفاده کرده است. خواندمیر این کتاب را به نام سلطان ابوالغازی حسین میرزا و وزیرش کمال‌الدین خواجه محمد تألیف نموده

کتاب‌هایی چون: مجالس النفاث، محاکمه اللغین، محبوب القلوب، نشأت و آثاری از امیر علیشیر نوایی نام برد.

از مورخین نامی این دوره می‌توان به نظام‌الدین شنب غزالی صاحب کتاب ظفرنامه، شرف‌الدین علی یزدی صاحب ظفرنامه تیموری، شهاب‌الدین عبدالله بن لطف‌الله معروف به حافظ ابرو صاحب کتاب زبده التواریخ و کتاب مجمع التواریخ سلطانی، فصیحی خوافی مؤلف مجمل التواریخ و مورخ بسیار مشهور این دوره محمد بن خاوند شاه بن محمود مشهور به میرخواند (جد مادری خواندمیر) صاحب روضه الصفا می‌توان نام برد.

به طور کلی زبان پارسی در این عهد تحول پرآمنه‌ای را که از قرن هشتم آغاز شده بود، ادامه می‌دهد و به سوی انحطاط می‌گراید. از علل عمده می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- رواج زبان ترکی با حمله مغولان در ایران؛
- ۲- ورود طوایف ترک به دربار و دستگاه دیوانسالاری کشور و رواج لغات ترکی در دستگاه اداری و نظامی ایران؛
- ۳- از میان رفتن مراکز زبان پارسی در خراسان و عراق؛
- ۴- از میان رفتن استادان بزرگ زبان پارسی که می‌بایست مربی شاعران و نویسندگان جدید باشند و جایگزینی افرادی با بهره‌ی کم از فنون ادب به جای ایشان.

۴) شیوه‌ی تاریخ‌نگاری خواندمیر

خواندمیر نیز با توجه به نثر دوره‌ی تیموری و تاریخ‌نگاری این زمان و نیز در نتیجه تحولات رویداده در نثر پارسی، به تألیف کتاب‌های خود پرداخته است. بیشترین توجه وی در تاریخ‌نگاری و تألیف آثارش، شرح جزئیات امور نظامی و جنگ‌های گوناگون است که در آن زمان شاهدان تیموری با خود، با ازبکان و در نهایت با صفویان داشتند. آثار تاریخی خواندمیر مملو از شرح درگیری‌های گوناگون نظامی میان حکمرانان، امیران و مدعیان قدرت در مناطق مختلف جغرافیایی است. هرچند تا حدودی در آثار خواندمیر می‌توان زمینه‌های فرهنگی آن عصر را یافت و در آثار وی مواردی از توجه به شاعران، وزیران و عالمان نیز دیده می‌شود، که تا حدودی تألیفات وی را با دیگر آثار معاصرانش متفاوت

است. هرچند که تألیف اولیه این کتاب در سال ۹۰۶ هـ ق پایان یافته ولی خواندمیر بعدها مطالبی را بر آن افزوده و کتاب خود را در سال ۹۱۴ هـ ق به پایان برده است. سال ۹۱۴ هـ ق وفات خواجه غیاث‌الدین میکال وزیر مظفر حسین پسر ابوالغازی حسین میرزای بایقراست. به این علت، دو نسخه از کتاب دستور الوزراء خواندمیر موجود است. یکی همان نسخه سال ۹۰۶ هـ ق و دیگری نسخه ۹۱۴ هـ ق. در نسخه‌ی دوم شرح حال دوازده وزیر دیگر بر نسخه اول افزوده شده و در سه جا به نام محمد شیبانی اشاره شده است. به جز ذکر این دوازده وزیر، خواندمیر در قسمت‌های دیگر نسخه‌ی اول کتاب دست نبرده و همچنان که نسخه اول به نام کمال‌الدین خواجه محمد وزیر سلطان حسین بایقرا نوشته شده، روایت دوم نیز به نام وی است.

در ایران از روزگاران کهن، تألیف کتاب‌هایی در احوال وزراء مرسوم و معمول بوده است. این کتاب‌ها، در تداوم اندیشه‌ی ایران‌شهری به دوران اسلامی نیز رسید و ما شاهد نوشتن کتاب‌هایی که منحصرأ به شرح حال وزیران می‌پرداختند در میان مورخان اسلامی هستیم. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- کتاب الوزراء و الکتاب تألیف محمدبن عبدوس جهشیاری
 - ۲- کتاب تحفه الامراء فی تاریخ الوزراء تألیف ابوالحسن هلال صابی کاتب
 - ۳- کتاب منیه الفضلاء فی تواریخ الخلفاء و الوزراء معروف به الفخری تألیف محمدبن علی بن طباطبا معروف به ابن الطقطقی
 - ۴- کتاب تجارب السلف هندوشاه نخبوانی که برگرفته از تاریخ فخری بوده
 - ۵- کتاب آثار الوزراء که به زبان فارسی توسط سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی که آن را به نام قوام‌الدین نظام‌الملک خوافی وزیر سلطان حسین بایقرا و چند سالی پیش از دستور الوزراء خواندمیر تألیف گردیده است.
- دستور الوزراء خواندمیر نسبت به آثار الوزراء عقیلی که تقریباً هر دو در یک دوره به نگارش درآمده است، جامع‌تر و کامل‌تر است و از حیث دقت و اعتبار بر آن برتری دارد. دستور الوزراء را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد. قسمت نخستین آن شامل شرح حال وزرای اسلام از آغاز خلافت تا پیش از عهد تیموری است. این بخش از کتاب وی چندان دقیق نیست و نمی‌توان آن را کاملاً معتبر دانست. در میان تمامی وزرای این بخش، تنها شرح حال ابن سینا، نظام‌الملک، جوینی و رشیدالدین فضل‌الله مفصل و دقیق است و مابقی شرح مختصر و کوتاهی دارند. ولی از این نکته نیز نباید گذشت که خواندمیر برای تألیف این بخش از کتاب خود رنج فراوان برده و به منابع پیش از خود بسیار مراجعه نموده است. از جمله منابعی چون، تاریخ فخر بناکتی، تاریخ گزیده حمدالله مستوفی، تاریخ و صاف، جامع التواریخ جلالی و جامع التواریخ رشیدی، جوامع الحکایات و **لوامع الروایات** محمد عوفی و روضه الصفا میرخواند.

از میان منابع فوق جامع التواریخ جلالی به دست ما نرسیده. بخش مهم این کتاب، بخشی است که درباره وزرای عصر خویش یعنی وزرای تیموری و بخصوص وزرای سلطان حسین بایقرا مطلب می‌نویسد. مطالبی

که خواندمیر در این قسمت از کتاب خود می‌آورد مطالب دقیق و تازه‌ای است که در کتاب‌های دیگر نمی‌توان یافت. امروز از این کتاب دو نسخه خطی موجود است. اول نسخه‌ای است متعلق به عباس اقبال، که تاریخ ندارد ولی با توجه به رسم‌الخط و کاغذ آن، زمان آن را حدود قرن یازدهم هجری دانسته‌اند. دیگر نسخه خطی متعلق به سیدعبدالرحیم خلخالی به تاریخ رمضان ۱۰۱۰ هـ ق. نسخه‌ی اقبال نسبت به نسخه‌ی خلخالی دقیق‌تر و صحیح‌تر است؛ ولی در بسیاری موارد با هم برابرند. وزرای یاد شده در این کتاب، به ترتیب سلسله‌ها در ایران عبارتند از:

وزرای بنی‌امیه، وزرای بنی‌عباس، وزرای سلاطین سامانیه، بعضی از وزرای سلاطین غزنوی، بعضی از وزراء و حکام بنی اسماعیلیه، وزرای سلاطین خوارزمشاهی، وزرای سلاطین سلغری، وزرای آل مظفر، وزرای سلاطین چنگیزخانی، وزرای تیموری.

از نکات جالب، آوردن نام برخی از وزرای حکام و خلفای فرقه اسماعیلیه است. کتاب با تصحیح سعید نفیسی و توسط انتشارات اقبال در سال ۱۳۱۷ خورشیدی چاپ و در سال ۱۳۵۵ خورشیدی، تجدید چاپ شد.

منابع

- ۱) صفا ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران ج ۴، انتشارات فردوس، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۳
- ۲) براون ادوارد، از سده‌ی تا جامی، انتشارات ابن سینا، چاپ اول، ۱۳۴۰
- ۳) فرهانی منفرد مهدی، پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۲
- ۴) انجمن ادبی شفیقی، تاریخ ادبیات ایران از ابتدا تاکنون
- ۵) خواندمیر، دستور الوزراء، انتشارات اقبال، چاپ دوم، ۲۵۲۵
- ۶) بیات عزیزالله، شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۷
- ۷) لغت‌نامه دهخدا

پی‌نوشت:

۱. خواند میر، حبیب‌السیر، ج ۴ صص ۹۷-۹۸.
۲. امین احمد راز، هفت اقلیم، به کوشش جواد فاضل، ج ۳ ص ۴۳۰.
۳. خواندمیر، خلاصه الاخبار فی بیان احوال الاخبار.
۴. خواندمیر، همان، جلد ۳ ص ۲۵۲.
۵. نوابی، رجال کتاب حبیب‌السیر.
۶. خواندمیر، همان، جلد ۴ ص ۳۹۷.
۷. خواندمیر، همان، جلد ۴ ص ۴۰۳.
۸. ملامحمد قاسم هندوشاه، تاریخ فرشته.
۹. عبدالقادر بن ملوک شاه بدائونی، منتخب التواریخ، به کوشش مولوی احمد علی صاحب، ج ۱ صص ۳۴۲-۳۴۳.
۱۰. خواندمیر، مآثر الملوک، صص ۱۸-۱۹.